

خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز

شامل سفرهایش به ایتالیا، آلمان، روسیه و

انگلستان (۱۸۰۳-۱۸۶۵)

(جلد اول)

گاه‌شناسی و مقدمه پی‌یر سیترون

مترجم: محسن الهامیان

انتشارات علمی و فرهنگی

چاپ نخست

تهران ۱۴۰۰

برلیوز، هکتور، ۱۸۰۳ - ۱۸۶۹ م.
 خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز شامل سفرهایش به ایتالیا، آلمان، روسیه و انگلستان (۱۸۰۳ - ۱۸۶۵)
 گاه‌شناسی و مقدمه: پی‌یر سیترون؛ مترجم: محسن الهامیان.
 تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۹.
 سی و پنج، ۳۶۰ ص.
 (دوره ۲ - ۹۸۶ - ۹۸۶ - ۶۰۰ - ۲۳۶ - ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۳۶ - ۹۸۷ - ۹ (ج ۱))
 فیبا
 خاطرات هکتور برلیوز به قلم خودش.
 برلیوز، هکتور، ۱۸۰۳ - ۱۸۶۹ م. -- سرگذشتنامه
 Berlioz, Hector -- Biography
 آهنگسازان فرانسوی -- قرن ۱۹ م. -- سرگذشتنامه
 Composers -- France -- 19th century -- Biography
 Citron, Pierre
 سیترون، پی‌یر، مقدمه نویسنده
 الهامیان، محسن، ۱۳۲۷ - مترجم
 شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 Elmi - Farhangi Publishing Co
 ML ۲۱۰
 ۷۸۰/۹۲
 ۶۲۴۰۸۵۶

سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 شابک
 وضعیت فهرست‌نویسی
 عنوان دیگر
 موضوع
 موضوع
 موضوع
 موضوع
 شناسه افزوده
 شناسه افزوده
 شناسه افزوده
 رده‌بندی کنگره
 رده‌بندی دیویی
 شماره کتابشناسی ملی

خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز (جلد اول)
 شامل سفرهایش به ایتالیا، آلمان، روسیه و انگلستان (۱۸۰۳ - ۱۸۶۵)
 گاه‌شناسی و مقدمه: پی‌یر سیترون
 مترجم: محسن الهامیان
 چاپ نخست: ۱۴۰۰
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه
 حق چاپ محفوظ است.

اداره مرکزی:
 بلوار نلسون ماندلا، تقاطع حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ تلفن: ۵۸۴۱۵
 کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳
 فروشگاه مرکزی (پرنده‌آبی):
 بلوار نلسون ماندلا، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴-۳
 فروشگاه یک:
 خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
 فروشگاه دو:
 خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

 elmifarhangi.ir

 elmifarhangipub


 انتشارات علمی و فرهنگی

فهرست مطالب (جلد اول)

یازده	یادداشت مترجم
هفده	مقدمه
سی و سه	پیشگفتار

بخش اول

فصل اول: کوت سنت آندره؛ اولین مراسم تعمید مذهبی من؛ اولین تأثیرهای موسیقی در من	۳
فصل دوم: پدرم؛ تحصیلات ادبی من؛ علاقه‌ام به سفر؛ ویرژیل؛ اولین هیجان شاعرانه	۷
فصل سوم: می پلان؛ دایی ام؛ پوتین‌های قرمز؛ حوری‌های سنت اینارد؛ عشق در قلبی دوازده‌ساله	۱۳
فصل چهارم: اولین درس موسیقی که پدرم به من داد؛ کوشش من در آهنگسازی؛ مطالعه استخوان‌شناسی؛ تنفر من از پزشکی؛ عزیمت به پاریس	۱۷

فصل پنجم: یک سال تحصیل پزشکی؛ پرفسور آموس؛ نمایش در اپرا؛ کتابخانه کنسرواتوار؛ کشش متفاوت ناپذیر به سوی موسیقی؛ پدرم اجازه دنبال کردن موسیقی را نداد؛ گفت و گوی خانوادگی ۲۹

فصل ششم: پذیرش من در میان شاگردان له زور؛ خوش قلبی وی؛ نمازخانه سلطنتی ۳۵

فصل هفتم: اولین اپرا؛ موسیو آندریو؛ اولین مس، موسیو شاتوبریان ۴۱

فصل هشتم: آقای آ. دوپونس ۱۲۰۰ فرانک برایم فراهم کرد؛ مس من برای اولین بار در کلیسای سنت روش اجرا شد؛ برای بار دوم در کلیسای سنت اوستاش آن را آتش زدم ۴۷

فصل نهم: اولین ملاقات و برخورد من با کروینی؛ او مرا از کتابخانه کنسرواتوار بیرون انداخت ۵۳

فصل دهم: پدرم کمک خرج را قطع می کند؛ من به کوت بازمی گردم؛ طرز تفکر شهرستانی ها درباره هنر و هنرمندان؛ ناامیدی؛ وحشت پدرم؛ پدرم با بازگشتم به پاریس موافقت می کند؛ تعصب مادرم؛ فصل نهم مادرم ۵۷

فصل یازدهم: بازگشت به پاریس؛ من درس می دهم؛ به کلاس رایشا در کنسرواتوار وارد می شوم؛ شام های من روی پونوف؛ پدرم مجدداً مستمری مرا قطع می کند؛ مخالفت شدید؛ هومبرت فرانک؛ رودلف کرویتزر ۶۳

فصل دوازدهم: به عنوان خواننده کُر برای کسب جایگاهی در مسابقه شرکت کردم و آن را به دست آوردم؛ آ. شاربونل؛ هم خانگی با پسر ها ۶۷

فصل سیزدهم: اولین کمپوزیسیون برای ارکستر؛ مطالعات من در اپرا؛ دو استاد من، له زور و رایشا ۷۵

فصل چهاردهم: کنکور انستیتو؛ کانتات من غیر قابل اجرا شناخته شد؛ ستایش من

از گلوک و اسپونتی؛ ورود روسینی؛ دیلتانتی‌ها؛ خشم من؛ موسیو انگر..... ۸۱

فصل پانزدهم: شب‌های من در اپرا؛ رسوایی؛ صحنه‌هواداری؛ حساسیت
یک ریاضیدان..... ۸۵

فصل شانزدهم: ظهور وبر در اودئون؛ کاستیل‌بلاز؛ موزار؛ لاشنیت؛
تنظیم‌کنندگان؛ ناامیدی و مرگ..... ۹۹

فصل هفدهم: پیش‌داوری در مورد اپرای نوشته‌شده روی یک متن ایتالیایی؛
نفوذ آن روی تأثیری که من از بعضی آثار موزار دریافت می‌کنم..... ۱۱۱

فصل هجدهم: ظهور شکسپیر؛ میس اسمیتسون؛ عشق کشنده؛ بی‌قیدی
روحی؛ اولین کنسرت من؛ مخالفت مضحک کروینی؛ شکست وی؛
اولین مار زنگی..... ۱۱۵

فصل نوزدهم: کنسرت بیهوده؛ رهبر ارکستری که رهبری نمی‌دانست؛ گروه
کری که آواز نمی‌خواند..... ۱۲۵

فصل بیستم: ظهور بتهوون در کنسرواتوار؛ بی‌اعتنایی کینه‌تورانه و شرم‌آور
استادان فرانسوی؛ تأثیر ناشی از سنفونی اوت مینور روی له‌زور؛ پایداری
این استادان در مخالفت مداوم..... ۱۳۱

فصل بیست‌ویکم: سرنوشت شوم؛ من منتقد هنری می‌شوم..... ۱۳۷

فصل بیست‌ودوم: کنکور کمپوزیسیون موسیقی؛ آیین‌نامه آکادمی هنرهای
زیبا؛ من جایزه رُم را می‌برم..... ۱۴۱

فصل بیست‌وسوم: مأمور اجرای انستیتو؛ پرده‌داری‌های او..... ۱۵۱

فصل بیست‌وچهارم: باز هم میس اسمیتسون؛ نمایشی خیرخواهانه؛ اتفاقات
بی‌رحمانه..... ۱۶۱

یادداشت مترجم

در سال ۱۳۶۹ جلد اول کتاب *خاطرات هکتور برلیوز* منتشر شد. اصل کتاب را در کتابخانه هنرستان موسیقی دیدم. این کتاب از چند سال قبل (مسلماً از پیش از انقلاب) در آنجا بود، ولی به نظر می‌رسید لای آن تا آن زمان باز نشده است. کتاب در قطع جیبی و در دو جلد به زبان فرانسه بود. در اولین فرصت آن را قرض گرفتم و با علاقه فراوان شروع به خواندن کردم. بعد از مطالعه چند صفحه جذب نوشته برلیوز شدم و تصمیم گرفتم آن را ترجمه کنم. متن فرانسه کتاب بسیار دشوار بود و خواننده در حین مطالعه اثر قطعاً به دشواری ترجمه آن پی خواهد برد. باری به هر جهت جلد اول را ترجمه کردم، ولی در بخش‌هایی از کتاب برای درک مفهوم با دشواری مواجه شدم. روزی از خیابان کریمخان عبور می‌کردم که کتاب‌فروشی لاروس را دیدم. از پیش از انقلاب که نزد خود فرانسه می‌خواندم، گاهی به این کتاب‌فروشی مراجعه می‌کردم و یکی دو جلد از کتاب‌های جیبی آن‌ها از نشر فولیو^۱ یا لیوق دوپوش^۲ را تهیه می‌نمودم. این کتاب‌فروشی از مکان‌هایی بود که علاقه بسیاری

داشتم به آنجا مراجعه و ساعتی کتاب‌ها را زیرورو کنم؛ حتی اگر فقط یک جلد کتاب جیبی می‌خریدم. فروشگاه بسیار بزرگی بود با انبوهی از کتاب به زبان فرانسه که دیدنش روح و علاقه مرا به این زبان ارضا می‌کرد. یک بار جرئت کردم و از پله‌های دفتر کتاب‌فروشی بالا رفتم تا مدیر آنجا، زنده‌یاد احمدی ترشیزی، انسانی فروتن و بی‌همتا را ملاقات کنم و مشکلات خود را در ترجمه کتاب مذکور با ایشان در میان بگذارم. آقای ترشیزی مرا به گرمی پذیرا شدند و خواستند کتاب را به همراه ترجمه آن نزد ایشان ببرم. چند کلمه‌ای را از مقدمه ایشان به این کتاب که در سال ۱۳۶۹ چاپ شده است بازگو می‌کنم:

در یکی از روزهای ۱۳۶۵ آقای جوان بسیار محجوبی در دفتر کاره سراغم آمد و با عذر و معذرت‌خواهی فراوان برای یافتن معانی چند لغت و اصطلاح زبان فرانسه که در دیکسیونرهای معمولی موفق به یافتن معادل فارسی برای آن‌ها نشده بود از من کمک خواست. متن فرانسه خاطرات هکتور برلیوز، موسیقیدان شهیر قرن نوزدهم فرانسه و پیشرو مکتب رمانتیک در موسیقی کلاسیک فرانسه، از متون نسبتاً پیچیده و مشکل فرانسه به حساب می‌آید، زیرا برلیوز یکی از موسیقیدانان تحصیل‌کرده فرانسه است... و به خصوص برای اظهار فضل و نشان دادن سطح معلومات خود، طبق معمول روز از به کار بردن واژه‌ها و عبارات قلبه و فضل فروشانه خودداری ننموده است. به طوری که نه تنها در کتب مقصود نویسنده، که ترجمه آن را مشکل و پیچیده ساخته است. هنگامی که شهامت و پشتکار همکار جوان خود، آقای الهامیان، را که به شغل شریف تدریس موسیقی نیز اشتغال دارند مشاهده نمودم... بر سر ذوق آمده، نه تنها قول کمال همراهی و کمک نسبت به تحقق ترجمه‌ای دقیق، صحیح و وفادار به گفتار مؤلف، بلکه قول همکاری برای چاپ و انتشار آن را نیز به ایشان دادم. خدا را شکر قسمت اول این خاطرات آماده چاپ و انتشار گردید. باز هم وظیفه خود می‌دانم که موکداً شهامت، پشتکار و زحماتی را که آقای الهامیان برای ترجمه این کتاب مشکل‌متحمل شده‌اند ستایش نموده، موفقیت ایشان را نه تنها در زمینه موسیقی که

رشته تخصصی ایشان است، بلکه در زمینه زبان فرانسه که بسیار به آن علاقه‌مند هستند را آرزو نمایم.

برای من جای بسی افتخار بود که اس‌م‌م در کنار اسم آقای احمدی ترشیزی به عنوان مترجم ذکر شد و همین تشویقی بود برای اینکه کار ترجمه را در کنار کار موسیقی ادامه دهم.

بعد از چاپ جلد اول، من که ترجمه جلد دوم را نیز به پایان رسانده بودم به آقای احمدی مراجعه کردم، ایشان فرمودند که حالا جلد دوم را بگذار بماند تا بعد؛ گویا ایشان را بیش از حد خسته کرده بودم، ضمن اینکه قرار بود سفری به خارج داشته باشند. متأسفانه بعد از آن آقای احمدی ترشیزی را ندیدم. یک روز که از خیابان کریمخان می‌گذشتم، دیدم کتاب‌فروشی لاروس را تخلیه می‌کنند. حدس زدم که ایشان به رحمت خدا رفته‌اند و ورثه کتاب‌فروشی را واگذار کرده‌اند. بنابراین ترجمه جلد دوم به همراه ترجمه نامه‌های شوپن در کیفی باقی ماند، به طوری که آن‌ها را به مرور فراموش کردم، تا اینکه چند سال پیش، حین بررسی کمد، کیف و ترجمه‌ها را دیدم و اقدام به چاپ مجدد خاطرات هکتور برلیوز به طور کامل کردم. امیدوارم در فقدان استاد بزرگ، توانسته باشم ترجمه شایسته و مقبولی ارائه کنم. مقدمه پی‌یر سیترون بر این اثر به قدری جامع و کامل است که نیازی به صحبت درباره کتاب نیست.

به نظر من چاپ چنین کتاب‌هایی کمک بسیار بزرگی است به فرهنگ‌سازی و گسترش فرهنگ موسیقی در کشوری که در آن چیزی وجود ندارد جز ادعای شماری افراد بی‌خبر از استادان موسیقی و آثار برجای‌مانده از آن‌ها در زمینه موسیقی، تا آنجا که به ناحق خود را هم‌راز چنین استادانی می‌دانند. از این رو آرزوی من بیداری این افراد و دنباله‌روهای آن‌هاست که ساده‌لوحانه باورشان دارند.